

فهرست

- | | |
|-----|-----------------------|
| ۶ | ۱- درک مطلب (Reading) |
| ۷ | درسنامه |
| ۱۹ | متن‌های Reading |
| ۱۲۹ | ۲- کلوژ تست (Cloze) |
| ۱۳۰ | درسنامه |
| ۱۳۳ | متن‌های Cloze |
| ۱۶۶ | ۳- پاسخ‌نامه تشریحی |

types of Questions

عمدتاً ده نوع یا تیپ سؤال درک مطلب داریم:


این نوع سؤالات را از آسان به سخت چیده‌ایم. شما هم قبل از خواندن متن ابتدا صورت سؤالات را بخوانید تا اول کلک سؤالات آسان را بکنید. لازم نیست حتماً به ترتیب به سؤالات درک مطلب پاسخ دهید. ترتیب پاسخگویی را خودتان انتخاب کنید! اول آسان‌ها، بعداً سخت‌ها.

Type 1: Locating References	نوع اول: پیدا کردن مرجع ضمیر
Type 2: Vocabulary	نوع دوم: معنی واژه
Type 3: Scanning for Details	نوع سوم: جست‌وجوی جزئیات متن
Type 4: Main Idea or Topic	نوع چهارم: موضوع یا عنوان اصلی متن
Type 5: Making Inferences	نوع پنجم: استنباط کردن
Type 6: Purpose Questions	نوع ششم: منظور نویسنده
Type 7: Transition Questions	نوع هفتم: سؤالات انتقالی
Type 8: Summary or Simplification	نوع هشتم: خلاصه یا ساده‌سازی متن
Type 9: Insert text	نوع نهم: جاگذاری متن
Type 10: Tone of the author	نوع دهم: لحن نویسنده

نوع اول: پیدا کردن مرجع ضمیر


(The word "X" refers to _____.)

در بیش از ۹۰ درصد مواقع، مرجع ضمیر قبل از خود ضمیر قرار دارد و در موارد نادری هم مرجع بعد از آن می‌آید. بهترین و سریع‌ترین روش پاسخگویی به سؤال مرجع ضمیر، جایگزین کردن تک‌تک گزینه‌ها به جای ضمیر در متن است: ببینید متن با کدام گزینه معنی منطقی پیدا می‌کند و تمام!

 For many years people have been trying to create a simple universal language that would serve all over the world as a common means of communication. In the last three hundred years, more than seven hundreds of languages have been suggested. The most successful and the most popular of these is a language called Esperanto.

 What does the word "these" in line 3 refer to?

- 1) years 2) means 3) languages 4) people

 برای سال‌های متمادی مردم سعی در خلق زبانی ساده و بین‌المللی کرده‌اند که به عنوان یک ابزار مشترک ارتباطی در سراسر جهان خدمت نماید. در سیصد سال گذشته بیش از هفتصد زبان پیشنهاد شده است. موفق‌ترین و محبوب‌ترین این‌ها (زبان‌ها) اسپرانتو نام دارد.

واژه "these" در خط ۴ به چه چیز اشاره دارد؟

- (۱) سال‌ها (۲) وسیله (۳) زبان‌ها (۴) مردم

خب، از طریق جایگزین کردن گزینه‌ها به جای ضمیر داخل متن، جمله متن فقط با گزینه ۳ به یک معنی منطقی می‌رسد.

نوع دوم: معنی واژه



(The word "x" in the 2nd paragraph is closest in meaning to _____.)


با این نوع سؤال دقیقاً مانند یک تست معمولی واژگان برخورد کنید. فرض کنید که به جای واژه داخل متن، نقطه‌چین یا همان جای خالی وجود دارد و به‌هیچ‌وجه به واژه‌ای که زیرش خط کشیده شده کار نداشته باشید. ببینید که جمله با کدام گزینه کارش راه می‌افتد.



گزینه ۳ در متن موجود نیست. ما به این گزینه‌ها می‌گوییم "not mentioned" یعنی «ذکر نشده».


گزینه ۴ هم ربطی به جمله سؤال ندارد. درست است که در پایین‌تر آمده ولی به درد استنباط کردن از این جمله نمی‌خورد.

و در نهایت گزینه ۲ صحیح است که pay attention در گزینه تقریباً هم‌معنی be more careful است و nature هم مترادف wildlife است.

 Sarah's house is made of stone, a few hundred years old, typical of the kind of place for sale cheaply here. Like actually all the village houses it's attached to the neighbouring ones. Inside, it is dark and cool. When Sarah bought the house, it had cold running water, some missing floors, and the fireplace didn't work.

 It can be understood from the passage that when Sarah bought her house it _____ .

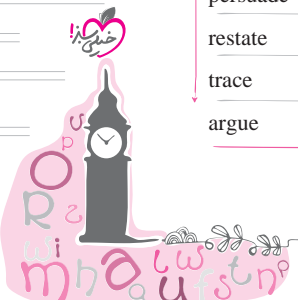
- 1) was good enough to live in
- 2) required some repairs
- 3) was in the same condition as the other houses
- 4) was older than the other houses in the village


 گزینه ۲ درست است. چون وقتی سارا خانه را خرید، آب لوله‌کشی‌اش سرد بود، تکه‌هایی از کف‌پوش آن نبود و شومینه هم کار نمی‌کرد. این‌ها همه نشان می‌دهد که این خانه به کلی تعمیرات نیاز داشت!


نوع هشتم: سوالات منظور نویسنده

این نوع سؤال، هدف نویسنده از یک جمله، پاراگراف خاص یا کل متن را می‌خواهد. در این نوع سؤال، افعال خاصی در گزینه‌ها وجود دارد که باید معنی آن‌ها را بدانیم. بیشتر آن‌ها را در جدول زیر آورده‌ایم:

advise	توصیه کردن	describe	توصیف کردن
point out	اشاره کردن	emphasize / stress	تأکید کردن
support	حمایت کردن	explain	توضیح دادن
predict	پیش‌بینی کردن	define	معنی کردن
prove	ثابت کردن	give examples (exemplify)	مثال آوردن، مثال زدن
show	نشان دادن	compare	مقایسه کردن
contrast	مقایسه کردن	summarize	خلاصه کردن
warn	هشدار دادن	introduce	معرفی کردن
illustrate	نشان دادن	mention	ذکر کردن
throw a light	روشن کردن	criticize	انتقاد کردن
suggest	پیشنهاد کردن	analyze	تجزیه و تحلیل کردن
reject	رد کردن	state	بیان کردن
add	افزودن	remind	یادآوری کردن
present	ارائه دادن	elaborate	شرح دادن
come to a conclusion (conclude)	به نتیجه رسیدن	concentrate (focus)	تمرکز کردن
clarify	توضیح دادن، شرح دادن	indicate	نشان دادن
persuade	ترغیب کردن	deny	انکار کردن
restate	بیان مجدد کردن	list	فهرست کردن
trace	ردیابی کردن، پی بردن	assess	ارزیابی کردن
argue	بحث کردن	cite	بیان کردن، ذکر کردن




 If happiness underlies and animates our purpose, then aiming for it seems a reliable way of moving toward that purpose. In other words, if you let what makes you happy be your guide, there is a good chance that you are on your path to fulfilling your purpose. (ریاضی خارج از کشور، ۹۷)

 Which of the following describes the function of the sentence below, which is the last sentence of the passage?

In other words, if you let what makes you happy by your guide, there is a good chance that you are on your path to fulfilling your purpose.


- 1) It introduces a new topic.
- 2) It restates an earlier statement.
- 3) It provides a specific example.
- 4) It provides a summary of the whole passage.


 اگر شادی مبنای هدف ما باشد و به آن جان ببخشید، پس هدف‌گذاری برای آن به نظر روشی مطمئن برای حرکت به سمت آن هدف است. به عبارت دیگر، اگر اجازه دهید آن چه که شما را شاد می‌کند، راهنمای شما باشد، شانس خوبی وجود دارد که شما در مسیر تحقق هدفتان هستید.


کدام یک از جملات زیر نقش جمله زیر که آخرین جمله متن است را توصیف می‌کند؟

به عبارت دیگر، اگر اجازه دهید آن چه که شما را شاد می‌کند، راهنمای شما باشد، شانس خوبی وجود دارد که شما در مسیر تحقق هدفتان هستید.


- ۱) آن یک موضوع جدیدی را معرفی می‌کند.
- ۲) آن گفته قبل‌تر را بازگو می‌کند.
- ۳) آن مثال خاصی فراهم می‌کند.
- ۴) آن خلاصه‌ای از کل متن فراهم می‌کند.

 به عبارت in other words (به عبارت دیگر) دقت کنید. همیشه از این عبارت برای بیان مجدد یا بازگو کردن چیزی استفاده می‌شود؛ پس گزینه ۲ درست است.

 When we are learning a foreign language, we tend to think that it is important to understand everything that we hear. But when you are listening to someone talking in your own language, you probably don't listen at 100% and nor do you probably need/wish to. (تهری، ۹۷)

 Why does the author refer to the experience of talking in the mother tongue (paragraph 1)?

- 1) To prove that learning a new language is not easy.
- 2) To show that our knowledge of our native language is perfect.
- 3) To support the main point mentioned in an earlier statement in the same paragraph.
- 4) To state that the mental effort you make to understand when others are talking to you is more than the mental effort you make when you yourself are talking.

 زمانی که در حال یادگیری یک زبان خارجی هستیم، تمایل داریم که فکر کنیم فهمیدن هر چیزی که می‌شنویم مهم است، اما وقتی که شما در حال گوش‌دادن به صحبت شخصی به زبان خودتان هستید، احتمالاً ۱۰۰ درصد گوش نمی‌دهید و یا این که احتمالاً نیاز یا تمایل ندارید.

چرا نویسنده به تجربه صحبت کردن به زبان مادری اشاره می‌کند (پاراگراف ۱)؟

- ۱) تا ثابت کند که یادگیری یک زبان جدید آسان نیست.
- ۲) تا نشان دهد که دانش زبان مادری ما کامل است.

۳) تا نکته اصلی اشاره شده در جمله قبل‌تر در همان پاراگراف را مورد حمایت قرار دهد.

۴) تا بیان کند که تلاش ذهنی که شما برای فهمیدن انجام می‌دهید زمانی که دیگران در حال صحبت کردن با شما هستند، بیشتر از تلاش ذهنی است که وقتی خود شما در حال صحبت کردن هستید.


 در پاراگراف اول، نویسنده برای حمایت کردن از جمله اول، از زبان مادری‌مان مثال می‌زند تا به قولی جمله اول حسابی

شیرفهم شود!

پس گزینه ۳ درست است.




در سؤالات انتقالی، یا محتوای پاراگراف قبل از متن را از ما می‌خواهند یا محتوای بعد از آن را. در این حالت اگر محتوای پاراگراف قبل را بخوانند، خواندن و درک پاراگراف ۱ می‌تواند کار را تمام کند. و اگر محتوای پاراگراف بعد از متن را بخوانند، آخرین پاراگراف متن می‌تواند چراغ راه هدایت‌مان باشد.

 Beyond living longer and healthier lives, we may want happiness for other reasons. Many people believe that each of us exists for a specific purpose. Although there are many beliefs about that purpose, almost all people agree that that life is purposeful. However, perhaps as we put our lives in line with our purpose, we become happier. Said another way, perhaps the closer we get to true happiness, the closer we are to realizing the purpose for our time on Earth. I do not know the nature of that purpose, but I believe that happiness is vital to it.

 **What does the paragraph before this passage most probably discuss?**

- 1) Some reasons why people look for happiness
- 2) Reasons why people are living longer
- 3) What the purpose of life is
- 4) Examples of happy people

 جدا از زندگی طولانی‌تر و زندگی سالم‌تر، ممکن است شادی را به دلایل دیگر بخواهیم. بسیاری از مردم عقیده دارند که هر کدام از ما به خاطر هدفی خاص وجود داریم. اگرچه عقاید زیادی در مورد این موضوع وجود دارد، اما تقریباً همه مردم موافق‌اند که زندگی هدف‌دار است. با وجود این، شاید چون ما زندگی‌مان را در راستای اهدافمان قرار می‌دهیم، شادتر می‌شویم. به عبارت دیگر، شاید هر چه که به شادی حقیقی نزدیک‌تر شویم، به درک از هدف بودنمان بر روی زمین نزدیک‌تر می‌شویم. من ماهیت آن هدف را نمی‌دانم اما عقیده دارم که شادی برای آن حیاتی است.


پاراگراف قبل از این متن به احتمال زیاد چه چیزی را مطرح می‌کند؟


(۲) دلایلی که چرا مردم بیشتر عمر می‌کنند

۱) دلایلی که چرا افراد به دنبال شادی هستند

(۴) نمونه‌هایی از افراد شاد


۳) هدف زندگی چیست

 فب، به جمله اول پاراگراف دقت کنید؛ شما را به چه پاسخی می‌رساند؟ در این جمله علاوه بر دلایلی مثل زندگی طولانی‌تر و سالم‌تر، که هتماً در پاراگراف قبیل مورد بحث قرار گرفته است، می‌فواهد باز هم از فوپی‌ها و دلایل شادی برایمان بگویید. پس، گزینة پاسخ صحیح است.

 This has led to a behavior that Lasén has called “clustering”. At a busy time of day on the streets of London, you may find small crowds of cell phone users grouped together, each one talking into a cell phone. Even when it is raining – as it often is in London – people still prefer not to hold their conversations where others could hear. They talk under their umbrellas or in a doorway.

 **What does the paragraph following the passage most probably discuss?**

- 1) Why Londoners prefer to keep their private lives private
- 2) How phone companies can increase their profits in London
- 3) Rules about how and when to use cell phones in three European cities
- 4) The habits of cell phone users in another studied city


 این مسئله به رفتاری منجر شد که لاسن آن را «حلقه‌زدن دور هم» نامیده است. در یک روز شلوغ در خیابان‌های لندن، جمعیت‌های کوچکی از کاربران تلفن همراه را می‌بینید که دور هم جمع شده‌اند و هر کدام مشغول صحبت با یک تلفن همراه هستند. حتی وقتی هوا بارانی باشد – که اغلب در لندن این‌گونه است – مردم همچنان ترجیح می‌دهند در جایی که افراد دیگر می‌توانند صدای آن‌ها را بشنوند، مکالمه خودشان را متوقف کنند. آن‌ها در زیر چترهایشان یا در یک درگاه صحبت می‌کنند.

پاراگرافی که بعد از این متن می‌آید، احتمالاً چه چیزی را بحث می‌کند؟
 (۱) چرا لندن‌ها ترجیح می‌دهند زندگی خصوصی‌شان را پنهان نگه دارند
 (۲) شرکت‌های تلفن چه طور می‌توانند سودشان را در لندن افزایش دهند
 (۳) قوانینی دربارهٔ چگونگی و زمان استفاده از تلفن همراه در سه شهر اروپایی
 (۴) عادت‌های کاربران تلفن همراه در یک شهر مطالعه‌شدهٔ دیگر

در این جا آخرین پاراگراف یک متن را آورده‌ایم که در متن‌های تألیفی آن را می‌بینید. گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ هرگز نمی‌توانند عنوان پاراگراف بعدی باشند.

نوع هشتم: خلاصه یا ساده‌سازی

در این نوع سؤال، قسمتی از متن هایلایت می‌شود، سپس به شما چهار گزینه داده می‌شود و شما باید گزینه‌ای را انتخاب کنید که به بهترین نحو ممکن مهم‌ترین اطلاعات موجود در جملهٔ هایلایت‌شده را خلاصه کند. بد نیست به این نکته اشاره کنیم که گاهی گزینهٔ صحیح به اندازهٔ خود متن طولانی است!

 Before this time, people did not think artists were special. Artists were normal people. They were not trained. Their paintings did not look real. However, artists in the 16th century had more training. They understood lines, light, and shadow. They knew how to blend science with art. Their paintings looked very real. Some thought paintings were perfect.

Which of the following best expresses the essential information in the highlighted sentence?

- 1) Artists used science to make their art better.
- 2) Art was used to make science better.
- 3) Artists were not interested in science.
- 4) Scientists were interested in art.

قبل از این زمان، مردم فکر نمی‌کردند که هنرمندان، خاص هستند. هنرمندان، افراد معمولی بودند. آن‌ها آموزش ندیده بودند. نقاشی‌های آن‌ها واقعی به نظر نمی‌رسید. با وجود این، هنرمندان در قرن ۱۶ آموزش بیشتری داشتند. آن‌ها خطوط، نور، و سایه را درک می‌کردند. آن‌ها می‌دانستند که چه‌طور علم را با هنر ترکیب کنند. نقاشی‌های آن‌ها بسیار واقعی به نظر می‌رسید. برخی تصور می‌کردند که نقاشی‌ها عالی هستند.


کدام یک از موارد زیر به بهترین نحو اطلاعات ضروری در جملهٔ هایلایت‌شده را بیان می‌کند؟

- ۱) هنرمندان از علم برای بهتر کردن هنرشان استفاده می‌کردند.
- ۲) هنر برای بهتر کردن علم استفاده می‌شد.
- ۳) هنرمندان به علم علاقه‌مند نبودند.
- ۴) دانشمندان به هنر علاقه‌مند بودند.

با درک صحیح جملهٔ هایلایت‌شده در متن به راحتی به گزینهٔ ۱ می‌رسیم. شاید بپرسید چرا گزینهٔ ۲ درست نیست؟ چون کلمهٔ هنرمندان را جا انداخته است.

نوع نهم: جاگذاری متن

در این نوع سؤال، به شما جمله یا عبارتی داده می‌شود و شما باید آن را در یکی از پرانتزهای شماره‌گذاری شده در متن قرار دهید. باید بتوانید علاوه بر درک درست متن و ارتباط بین جمله‌ها، وضعیت متن بعد از قرارگرفتن جملهٔ داده شده توسط سؤال را هم از نظر منطقی و هم از نظر گرامری تحلیل کنید و مطمئن شوید متن در حالت جدید هم درست است.

 Before the Renaissance, artists mostly painted people from The Bible. (1) When the Renaissance started, artists began to paint different people. (2) Also, they painted many objects. They put a lot of detail in their paintings. Michelangelo and Raphael were two well-known artists of the time. (3) They inspired people with their art. (4)

Where does the following sentence fit most?

Michelangelo's paintings are some of the most well-known paintings in the world.

- 1) 1
- 2) 2
- 3) 3
- 4) 4



Everybody knows that teenagers are sleepy in school. Too many students do not get the recommended number of hours of sleep they need in order to make it through the day. Although a number of factors influence this, it would help to change the time teenagers are expected to begin school each morning. A later start time would give students enough sleep to be better prepared to learn.

Many studies have been conducted on how much sleep students need. Most of this research has shown that teenagers need at least 7 to 9 hours of sleep each night. A teenager is going through a lot of biological changes. During sleep, important brain activity and functions are performed to manage these changes. Only 15% of teenagers are reported to get at least 8 hours of sleep during the school week.

When teenagers do not get enough sleep, bad things can result. Students can become easily irritable and cranky. These problems can lead to behavioural problems and become an obstacle to academic success. Students who lack enough sleep tend to make more impulsive decisions and take more risks. Students suffering from sleep deprivation have reduced attention, and it may be harder for them to concentrate on complex tasks and assignments.

Teenagers can lose sleep for a number of reasons. Some of these reasons are internal. Teenagers also face external forces that keep them up at night. Homework demands, sports practices and games, and jobs may keep teenagers out of the house and active late into the evening. Teenagers' social schedule may also keep them up late.

Although we cannot control many of the other variables, one factor we should consider is starting school later once students become teenagers. A well-rested teenager would be better prepared and more attentive to learning.

conduct:	انجام دادن
go through:	تجربه کردن
perform:	اجرا کردن، انجام دادن
irritable:	تحریک پذیر
cranky:	بدخو
obstacle:	مانع
impulsive:	آنی
deprivation:	کمبود
concentrate:	تمرکز کردن
internal:	درونی
external:	خارجی، بیرونی
variable:	متغیر
attentive:	بادقت

1. Which statement BEST states the main idea of this essay?

- 1) School days should be shorter.
- 2) Teenagers are learning how to manage their time well.
- 3) Teenagers should go to school later in the day.
- 4) Fewer courses should be offered in middle and high schools.

2. What do the phrase going through MOST NEARLY mean as they are used in paragraph 2?

- 1) experiencing
- 2) encouraging
- 3) considering
- 4) beginning

3. Which sentence from the student's essay supports the idea that most teenagers are not currently getting the correct amount of sleep?

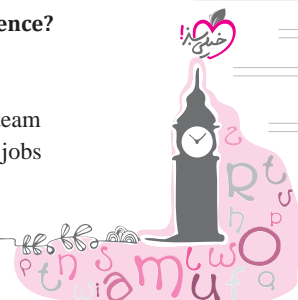
- 1) Most of this research has shown that teenagers need at least 7 to 9 hours of sleep each night.
- 2) Only 15% of teenagers are reported to get at least 8 hours of sleep during the school week.
- 3) Students who lack enough sleep tend to make more impulsive decisions and take more risks.
- 4) Teenagers can lose sleep for a number of reasons.

4. Read this sentence from paragraph 4.

Homework demands, sports practices and games, and jobs may keep teenagers out of the house and active late into the evening.

What is the MOST EFFECTIVE way to combine the ideas in the highlighted sentence?

- 1) Homework assignments, jobs, and practices for games
- 2) The demands of homework, sports, and a job
- 3) Completing homework, competing in sports, working at a job, or practice with a team
- 4) Various after-school demands like homework, sports games, sports practices, and jobs



⊗ When a family member dies, you may find that other family relationships change. Each family member has his or her own way of grieving, and his or her needs may be different from yours. Also, there are many different relationships that are lost, all being grieved in different ways. Your relationship with your mother, for example, is different than your sister's, father's or grandmother's relationship with her. Families typically adapt to the absence of a family member by "reassigning" the roles of the person who died to the remaining members. In a sense, the family must redefine itself. For example, a parent whose spouse dies may find himself or herself trying to be both mother and father to their child. The remaining parent may take on some of the roles of the parent who died, and other things may be let go, or assigned to a non-parent. Or, if a mother dies, family members may expect the oldest sibling to step into a more mothering role with younger siblings.

The process of redefining the family takes time, and involves trial and error. When someone in the family dies, family roles may change or disappear altogether. As you are redefining yourself without your loved one, don't take on roles or responsibilities that you don't want. If your younger sister often turned to your mother for advice on day-to-day living and now turns to you, determine whether this is something you want – or are able – to take on.

Pay attention to your feelings, and as new demands arise, ask yourself what is best for you. Oftentimes, it is helpful to talk over your decisions with a friend, co-workers, or, in particularly difficult situations, or professional therapist.

grieving:	عزاداری
typically:	معمولاً
adapt:	سازگار شدن، وفق دادن
reassigning:	انتصاب مجدد
spouse:	همسر
assign:	واگذار کردن
sibling:	خواهر یا برادر
trial and error:	آزمون و خطا
determine:	تعیین کردن
oftentimes:	غالب اوقات، اغلب
co-worker:	همکار
therapist:	درمانگر
adjust:	سازش کردن، سازگار کردن
eliminate:	حذف کردن
consequence:	پیامد، نتیجه
assertion:	ادعا

1. What is the writer's main purpose in the passage?

- 1) To urge readers to keep family relationships as close as possible in difficult situations
- 2) To compare family members in terms of how they react to the death of a loved one
- 3) To describe painful emotions family members feel after the death of someone close
- 4) To explain family relationships in terms of adjusting to the death of a loved one

2. According to the passage, the process of redefining the family requires all of the following EXCEPT _____.

- 1) trying out various means
- 2) identifying cause of failure
- 3) eliminating all of the old family roles
- 4) willingness to assume new responsibilities

3. Which of the following best describes the function of the underlined sentence in paragraph 2?

- 1) It describes one negative consequence of accepting roles or responsibilities that you dislike.
- 2) It provides an example of an assertion made earlier in the passage.
- 3) It weakens an argument which was made earlier in the passage.
- 4) It examines the similarities between mothers and older sisters.

4. What does the paragraph following the passage most probably discuss?

- 1) Demands which arise as a result of family member
- 2) A new way of looking at your relationship with friends, co-workers or therapists
- 3) Contributions of friends, co-workers or therapists to one who has lost a family member
- 4) Advantages and disadvantages of seeking professional help after the death of someone close



Many people rely on cars to get around. This can be a problem for two reasons. The first is that cars cause pollution. With so many cars on the road, the quality of the air that we breathe is reduced. The Earth is our habitat and we must protect it. The second is that cars run on fuel, which comes from oil. There is a limited amount of oil in the world. When our oil runs out, we cannot replace it. Therefore, we should try to conserve oil.

(1) One solution is to design cars that consume less fuel. The most efficient cars today are called hybrids. They run on gas and electricity. They save energy by turning off the engine when the car is not moving. (2) They don't waste gas when they are stuck in traffic. The electricity source is a battery. (3) It recharges itself when the driver uses the brake. That way, the driver never has to plug the car in to charge it. Hybrids also have smaller engines. (4) This means they use less gas. **They can go twenty-five to forty percent further on the same amount of gas as a normal car.**

Pollution results in global warming, which cause climate change. This can endanger life on Earth. One example of this is the many species of animals that are becoming extinct. As such, there is a global campaign aimed at limiting the amount of pollution we produce. Switching to hybrid cars is a major goal. Sadly, not everyone cares about clean air. They do, however, care about money. As gas prices rise, hybrid cars look more attractive. Some governments fund programs to make hybrids even more attractive. They offer tax cuts to people who buy them. One day, hybrid cars should replace normal cars as the standard vehicle around the world.

habitat:	زیستگاه
run out:	تمام شدن
conserve:	حفظ کردن، نگاه داشتن
efficient:	کارآمد
stuck in traffic:	گیر کردن در ترافیک
species:	گونه
extinct:	منقرض
campaign:	پویش
switch:	عوض کردن
tax:	مالیات
financial incentives:	انگیزه‌های مالی
affordable:	قابل خرید

1. According to the passage, which of the following is NOT mentioned as a way that hybrids save fuel?

- 1) They don't waste gas when they're not moving.
- 2) They run on bio-fuel.
- 3) They have small engines.
- 4) They generate their own electricity.

2. Where in the passage can the sentence "Most car engines today are far bigger than they need to be." best fit?

- 1) 1
- 2) 2
- 3) 3
- 4) 4

3. Which of the following best expresses the essential information in the highlighted sentence?

- 1) They use less electricity than regular cars.
- 2) They are faster than regular cars.
- 3) They last longer than regular cars.
- 4) They can travel further than regular cars on the same amount of gas.

4. Why does the author mention financial incentives for buying a hybrid?

- 1) To demonstrate that hybrids are a wise option for anyone
- 2) To suggest that hybrids should be made more affordable
- 3) To imply that poor people are not concerned about the environment
- 4) To show that only environmentalists are willing to buy hybrids



⊗ Mental and physical health professionals may consider referring clients and patients to a music therapist for a number of reasons. It seems a particularly good choice for the social worker who is coordinating a client's case. Music therapists use music to establish a relationship with the patient and to improve the patient's health, using highly structured musical interactions. Patients and therapists may sing, play instruments, dance, compose, or simply listen to music.

The course of training for music therapists is comprehensive. In addition to formal musical and therapy training, music therapists are taught to discern what kinds of interventions will be most beneficial for each individual patient. Because each patient is different and has different goals, the music therapist must be able to understand the patient's situation and choose the music and activities that will do the most toward helping the patient achieve his or her goals. The referring social worker can help this process by clearly communicating each client's history.

Although patients may develop their musical skills, that is not the main goal of music therapy. Any client who needs particular work on communication or on academic, emotional, and social skills, and who is not responding to traditional therapy, is an excellent candidate for music therapy.

establish:	ایجاد کردن
interaction:	فعل و انفعال
compose:	نوشتن، آهنگسازی کردن
comprehensive:	جامع
discern:	تشخیص دادن
formal:	رسمی
intervention:	داخلت (پزشکی)
achieve:	به دست آوردن
respond:	پاسخ دادن
candidate:	گزینه، کاندید
circumstance:	شرایط

1. Which of the following best organizes the main topics addressed in this passage?

- 1) the role of music therapy in social work, locating a music therapist, referring patients to music therapists
- 2) using music in therapy, a typical music-therapy intervention, when to prescribe music therapy for the patients
- 3) music therapy and social work, training for music therapists, skills addressed by music therapy
- 4) how to choose a music therapist, when to refer to a music therapist, who benefits the most from music therapy

2. According to information presented in the passage, music therapy can be prescribed for social work clients who _____.

- 1) need to develop musical skills
- 2) were disabled as children
- 3) need to resolve family issues
- 4) need to improve social skills

3. Which of the following inferences can be drawn from the passage?

- 1) Music therapy can succeed where traditional therapies have failed.
- 2) Music therapy is a relatively new field.
- 3) Music therapy is particularly beneficial for young children.
- 4) Music therapy is only appropriate in a limited number of circumstances.

4. Which of the following would be the most appropriate title for this passage?

- 1) How to Use Music to Fight Depression
- 2) What Social Workers Need to Know about Music Therapy
- 3) Training for a Career in Music Therapy
- 4) The Social Worker as Music Therapist



Over the decades, tourism has experienced continued growth and deepening diversification to become one of the fastest growing economic sectors in the world. Modern tourism is closely linked to development and encompasses a growing number of new destinations. These dynamics have turned tourism into a key driver for socio-economic progress.

Today, the business volume of tourism equals or even surpasses that of oil exports, food products or automobiles. Tourism has become one of the major players in international commerce, and represents at the same time one of the main income sources for many developing countries. This growth goes hand in hand with an increasing diversification and competition among destinations.

The global spread of tourism in industrialized and developed states has produced economic and employment benefits in many related sectors – from construction to agriculture or telecommunications.

The contribution of tourism to economic well-being depends on the quality and the revenues of the tourism offer. The United Nations World Tourist Organization (UNWTO) assists destinations in their sustainable positioning in ever more complex national and international markets. As the UN agency dedicated to tourism, UNWTO points out that developing countries stand to benefit from sustainable tourism and acts to help make this a reality.

diversification:	تنوع
sector:	بخش
encompass:	در بر گرفتن
dynamics:	پویایی
driver:	محرك
equal:	مساوی بودن با
major:	عمده، اصلی
commerce:	تجارت
construction:	ساخت و ساز
telecommunication:	مخابرات
revenue:	درآمد
assist:	کمک کردن
sustainable:	ثابت، پایدار
point out:	اشاره کردن

1. What is the best title for the passage?

- 1) UNWTO contribution to tourism
- 2) Tourism in Developing countries: Pro and Cons
- 3) Tourism: An Economic and Social Phenomenon
- 4) Emergence of Tourism-based Economics

2. The word "that" in paragraph 2 refers to _____ .

- 1) volume
- 2) business
- 3) tourism
- 4) export

3. It can be inferred from the passage that developing countries would benefit most from tourism if they _____ .

- 1) decline to ignore the other economic sectors
- 2) increase their cooperation with UN-related agencies
- 3) take measures to make sure that their tourism industry has sustainable growth
- 4) recognize that competition among tourist destinations is getting tougher and tougher

4. There is sufficient information in passage to answer which of the following question?

- 1) What destination types appeal more to today's tourists?
- 2) Why is the growth of tourism of great importance to developing countries than to developed ones?
- 3) What are some of the policies to follow to ensure sustainability in the development of tourism?
- 4) What are variables affecting the contribution of tourism to economic well-being of the countries concerned?

⊗ A natural disaster is occurring in South America. Amazon rainforests which are said to provide the earth with 25 percent of its oxygen have been on fire for the last 20 days. Every minute an area as big as a football field is being devastated by fire. These wildfire incidents are 80 percent more compared with last year and threaten the lives of animals, plants, and people. In fact, natural habitats of various animals are lost and infinite plant species are destroyed. Fire also destroys vegetation and makes soil poor for plant growth.

While no serious action has been taken so far in order to control the inferno, some blame ranchers and farmers who usually set fire on forests in order to clear land for farming. Others point their fingers at loggers who cut down trees and use them for wood industries.

But the main suspect can be the Brazilian president. As he was campaigning, he promised farmers to ease environmental protection regulations in order to let them clear land and improve Brazilian economy and their financial status by farming. Now, facing public criticism at national and international level, he denies such accusations and points his finger at others. No matter who is to blame, the lush forests are burning to ashes while the world is simply looking on. It is quite unfortunate that instead of joining forces to extinguish fires, everyone seems to be involved in a stupid blaming game.

disaster:	فاجعه
devastate:	ویران کردن
threaten:	تهدید کردن
infinite:	بی شمار
vegetation:	پوشش گیاهی
inferno:	آتش سوزی
blame:	
	سرزنش کردن، مقصردانستن
rancher:	گلهدار
suspect:	مظنون
campaign:	
	دست به مبارزه زدن
regulation:	قانون
financial status:	
	وضعیت اقتصادی
point finger at:	متهم کردن
ash:	خاکستر
extinguish:	خاموش کردن
stupid:	احمقانه

- 1. The author seems to express _____ regarding the world reaction to the wildfires in Amazon rainforests.**
 - 1) support
 - 2) sympathy
 - 3) happiness
 - 4) criticism
- 2. The word "who" in paragraph two, line two, refers to _____ .**
 - 1) actions taken so far
 - 2) controlling the inferno
 - 3) ranchers and farmers
 - 4) those who blame ranchers and farmers
- 3. Which statement can be used as a supporting sentence in the second paragraph?**
 - 1) Although natural factors such as hot weather and sunlight can also sometimes cause wildfires.
 - 2) World leaders attending G7 Summit in France blamed him for his inaction and urged him to respond to the situation immediately.
 - 3) Amazon rainforests are referred to as the lungs of planet earth.
 - 4) These is a serious threat to biodiversity in the rain forests.
- 4. Which of the following statements can be inferred from the passage?**
 - 1) Brazilian president is a rancher and land owner who wants to clear land for himself.
 - 2) Strict regulations have prevented farmers, ranchers, and others from setting the rain forests ablaze.
 - 3) Animals and plants are strong enough to survive the wildfires and we must only focus on saving human beings.
 - 4) Amazon rain forest should be taken advantage of in order to supply raw materials for different industries and factories.

مقدمه

سال چهارم دبیرستان که بودم، معلم فیزیک ما، خدایامرز آقای علمگردانی شروع به تعریف از قیافه من کرد. می گفت: تو، دماغت حرف نداره، جشات گیراست، قددت هم که بلنده، ولی مرده شور ترکیبتو ببرن!! من! معلم! بچه‌ها! آرمان‌های خیلی سبز!!! خلاصه ماه‌ها این حرف معلم فیزیکمون نقل مجالس زنگ تفریح بود.

خب، حالا دنبال ربط داستان بالا با کلوز تست هستید، مگه نه؟ فهمیدن ربطش با کلوز تست با خودتونه.

حالا یک کم جدی‌تر! قصه کلوز از کجا شروع شد؟

برای این که بفهمیم نان کلوز تست را چه کسی در دامن آزمون‌های زبان گذاشت، باید یک مرحله عقب‌تر برویم و سری به تئوری گشتالت در روان‌شناسی بزنیم.

تئوری گشتالت



شکل بالا چیست؟ احتمالاً جوابتان دایره است. در صورتی که واقعاً دایره‌ای در کار نیست بلکه این ذهن شماست که کلیت این شکل را به صورت یک دایره مجسم کرده و این مفهوم را از آن می‌گیرد. بنابراین پرکردن قسمت‌های خالی به راحتی توسط ذهن انسان امکان‌پذیر است مشروط بر آن که تسلط بر توانایی درک کلیت یک مفهوم در ذهن وجود داشته باشد. این امر دریچه‌ای است به سوی ارتباط تئوری گشتالت و خلق کلوز تست.

گشتالت در آلمانی به معنای شکل (form) است. طبق نظریه گشتالت، ما دنیا را در کل‌های معنی‌دار تجربه می‌کنیم و محرک‌های جداگانه را نمی‌بینیم. براساس این نظریه؛ **کل، چیزی فراتر از مجموع اجزای آن است.** برای مثال فرض کنید که به کنسرت خواننده محبوبتان رفته‌اید. در سالن، هر یک از نوازندگان ساز خودش را می‌زند، یکی پیانو می‌زند، دیگری تمبک و ... اما آن حسی که از شنیدن مجموع این سازها به شما دست می‌دهد کاملاً متفاوت از آن حسی است که نواختن هر کدام از سازها به تنهایی در شما ایجاد می‌کند. پس کل این موسیقی چیزی فراتر از اجزای آن است که ما را غمگین، شاد و ... می‌کند. دقیقاً همین اتفاق درباره متن‌ها می‌افتد یعنی هر کدام از واژگان به تنهایی معنا و مفهوم خود را دارد، ولی هنگامی که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، جملات و پاراگراف‌هایی را خلق می‌کنند که حس‌هایی فراتر از متن به ما می‌دهند. یعنی اجزای متن، چیزی متفاوت از کل متن است. پس برای به دست آوردن جزء، ابتدا باید از کل سر در بیاوریم. بنابراین برای آن که بتوانیم واژگان حذف‌شده از چندین جمله را حدس بزنیم، اول باید مفهومی کلی از متن به دست آوریم سپس در جزئیات آن ریز شویم.

در سال ۱۹۵۳، W.L. Taylor دقیقاً از همین ارتباط برای خلق کلوز تست استفاده کرد. در این حالت واژگانی شامل اسامی، فعل‌ها، صفات و... از متن اصلی حذف می‌شوند و زبان‌آموز باید با توجه به کلیت متن، گرامر، همنشینی‌های واژگانی، علائم نشانه‌گذاری و سایر سرنخ‌های موجود در متن این قسمت‌ها را تکمیل نماید.

پس به طور خلاصه، برای پاسخگویی به این نوع از سؤالات ابتدا متن را سریع بخوانید و از روی نقطه‌چین‌ها بگذرید تا کلیت آن در ذهنتان شکل بگیرد؛ این درک کلی امکان دارد در چند جمله اول متن کلوز به دست آید. در مرحله بعد، متن را دوباره با سرعت پایین‌تر و به طور دقیق‌تر بخوانید و از سرنخ‌های موجود در متن استفاده نمایید. این بار، روی جملاتی که جای خالی دارند تمرکز کنید و با داشتن تصویر






کلی از متن، با جمله مثل تست واژگان یا گرامر رفتار کنید و هر یک از گزینه‌ها را به ترتیب در داخل جای خالی کلوز قرار داده تا معنی جمله را به صحیح‌ترین شکل بیان کند.

و از همه مهم‌تر سعی کنید کلوز تست را مانند جدول کلمات متقاطع حل کنید. لازم نیست حتماً به ترتیب به سؤالات آن پاسخ دهید. از هر جا که آسان است شروع کنید. به **حسن هم‌جواری** گزینه‌ها با واژگان قبل و بعد از جای خالی توجه کنید و ببیند کدام گزینه با واژگان متن جور درمی‌آید.


خب حالا برای دست‌گرمی یک مثال را با هم حل می‌کنیم:

سعی کنید جاهای خالی را با دانش خود کامل کنید، اما یادتان باشد اول متن را سریع یک بار بخوانید تا رشته کار دستتان بیاید، سپس جاهای خالی را کامل کنید.

 There are few homes in the United States today that do not have either a radio or television 1. Both of them have become a/an 2 part of our daily life, giving us the news of the day, and 3 us in many different fields of interest.

با یک بار خواندن متن دستمان می‌آید که متن دربارهٔ رادیو و تلویزیون و نقش آن‌ها در زندگی ماست. حالا به سراغ جملهٔ اول رفته و با توجه به گرامر جمله به دنبال یک «اسم» می‌گردیم که با کلمات radio or television تکمیل شود. در جملهٔ ۲ نیز قبل از جای خالی حرف تعریف a/an وجود دارد که بیان‌کنندهٔ این امر است که بعد از آن نیاز به یک «اسم» است که در این جا واژهٔ part می‌باشد. حالا قبل از آن، واژه‌ای در نقش صفت نیاز است. در مورد جای خالی سوم در عبارت قبل از آن عبارت موصولی giving us the news of the day آمده است و به وسیلهٔ and به جای خالی متصل شده است که این امر بیانگر یکسان‌بودن گرامر در دو طرف and است، پس یک عبارت موصولی دیگر در این جا مورد نیاز است.

همان‌طور که دیدید تا الان کلیت متن را فهمیدیم و یک تحلیل گرامری از جاهای خالی نیز کردیم. سپس نوبت آن است که معنای واژگان را در جاهای خالی با توجه به نقش گرامری‌شان و کلیت متن حدس بزنیم. به ترجمهٔ زیر نگاه کنید:

 امروزه تعداد قلیلی از خانه‌ها در ایالات متحده هستند که ۱ رادیو یا تلویزیون ندارند. هر دوی آن‌ها بخش ۲ از زندگی روزانهٔ ما شده‌اند، که به ما اخبار روز را می‌دهند و ما را در بسیاری از زمینه‌های مورد علاقه ۳.

خوب، حالا بیا ببینیم احتمالاتی را که می‌توان برای جاهای خالی متصور شد بررسی کنیم.




۱: (دستگاه) رادیو یا تلویزیون ۲: بخش (مهمی/ ضروری / جدایی‌ناپذیر / پراهمیتی و...) از زندگی روزانهٔ ما ۳: ما را در بسیاری از زمینه‌های مورد علاقه (مطلع می‌سازند / آموزش می‌دهند / کمک می‌کنند)

حالا نگاهی به گزینه‌ها بیندازید و از بین آن‌ها گزینه‌ای که نزدیک‌ترین معنا را در ذهن شما تداعی می‌کند، انتخاب کنید.

- | | | | |
|------------------|----------------|--------------|----------------|
| 1) 1) set | 2) program | 3) series | 4) action |
| 2) 1) honest | 2) important | 3) dangerous | 4) flexible |
| 3) 1) forbidding | 2) frightening | 3) educating | 4) controlling |

- | | | | |
|------------------|------------|---------------|----------------|
| ۱. ۱) دستگاه | ۲) برنامه | ۳) سری | ۴) عمل |
| ۱. ۲) صادق | ۲) مهم | ۳) خطرناک | ۴) انعطاف‌پذیر |
| ۱. ۳) ممنوع کردن | ۲) ترساندن | ۳) آموزش دادن | ۴) کنترل کردن |

به نظر می‌آید که پاسخ‌ها را به راحتی انتخاب کردیم.

۱.  گزینهٔ ۱ ۲.  گزینهٔ ۲ ۳.  گزینهٔ ۳

حالا سعی کنید تکنیکی که یاد گرفتید را برای یکی از متن‌های کنکور سال‌های گذشته به کار ببرید. ابتدا سریع یک نگاه اجمالی به کل متن کلوز (بدون نگاه کردن به گزینه‌ها) بیندازید تا از کلیت آن سر درآورید. فعلاً مته به خشخاش نگذارید و بکوشید که به گرامر جاهای خالی گیر ندهید. آسیاب به نوبت!



Close 17

وقت پیشنهادی: ۵ دقیقه

تعداد واژگان: ۱۳۱

ⓧ Despite the wealth of information campaigns telling people about global warming and its causes, most people have yet to realize how severe the problem is. Coming climate changes could alter as much as one third of plant and animal habitats 1 the end of the 22nd century. These changes could in turn cause widespread 2 among plant and animal species around the globe. Coastal and island habitats are perhaps in the greatest danger since they 3 the combined threats of warming oceans and rising sea levels. As habitats change, many animals will come under intense pressure to find more 4 homes for themselves. Mass migrations of at least some animals are certainly to be expected, 5 the fact remains that many animals will simply not be able to move fast enough.

despite:	علی‌رغم
wealth:	کثرت
campaign:	کمپین، مبارزه
severe:	وخیم
coming:	آتی
alter:	تغییر دادن
habitat:	زیستگاه
widespread:	گسترده
species:	گونه
coastal:	ساحلی
threat:	تهدید
intense:	شدید

- | | | | |
|----------------|-----------------|---------------|----------------|
| 1. 1) at | 2) by | 3) until | 4) since |
| 2. 1) events | 2) destinations | 3) conditions | 4) extinctions |
| 3. 1) create | 2) face | 3) found | 4) prevent |
| 4. 1) possible | 2) serious | 3) suitable | 4) regular |
| 5. 1) but | 2) so | 3) or | 4) and |

Close 18

وقت پیشنهادی: ۴ دقیقه

تعداد واژگان: ۹۲

ⓧ There are roughly 140 countries which belong to the Third World and 1 developing, less developed and poor countries. Although there are great differences between them, they do have a number of features in 2 . For instance, much of the Third World is in poverty. 3 exceptions to this rule are Saudi Arabia, Kuwait and Libya. However, because the economies of these three countries depend largely on one export, oil, they are still vulnerable in the world market. Most of the developing countries still have very little industry. Farming is often 4 . Even worse, many of the countries only produce enough food to 5 their own populations alive.

roughly:	تقریباً
feature:	ویژگی
poverty:	فقر
vulnerable:	آسیب پذیر

- | | | | |
|--|------------------|---------------|-------------|
| 1. 1) which known as | 2) that known as | | |
| 3) which are known as | 4) that know | | |
| 2. 1) general | 2) common | 3) particular | 4) brief |
| 3. 1) Few | 2) Little | 3) A few | 4) A little |
| 4. 1) the only way in which the country can make money | | | |
| 2) which is the only way a county may make money | | | |
| 3) an only way which the country makes money | | | |
| 4) the country makes money in which is the only way | | | |
| 5. 1) feel | 2) make | 3) escape | 4) keep |

خوبی



Close 33

وقت پیشنهادی: ۴ دقیقه

تعداد واژگان: ۱۱۶

The International Space Station is a unique place – a meeting place for science, technology and human innovation that shows new technologies and makes research advances not 1 on Earth. It is a microgravity laboratory in which an international crew of six people live and work 2 traveling at a speed of five miles 3 second, orbiting Earth every 90 minutes.

The space station has been continuously used since November 2000. In that time, more than 200 people from 15 countries have visited. Crew members spend about 35 hours each week 4 research in many fields to advance scientific 5 in Earth, space, physical, and biological sciences for the benefit of people living on our home planet.

unique:	منحصراً به فرد
innovation:	نوآوری
advance:	پیشرفت
microgravity:	میکروگرانشی
crew:	خدمه
benefit:	سود، انتفاع

- 1) possible 2) domestic 3) dense 4) convertible
- 1) although 2) since 3) before 4) while
- 1) in 2) at 3) per 4) with
- 1) conducted 2) conducting 3) to conduct 4) be conducting
- 1) knowledge 2) definition 3) invention 4) communication

Close 34

وقت پیشنهادی: ۵ دقیقه

تعداد واژگان: ۱۴۳

The roots of the Internet reach back to the 1960s and 1970s, when military and academic researchers worked on ways to connect computers. But it was only in 1983 that TCP/IP 1, creating a shared protocol for networking that 2 spread - that's the "Internet" the authors call. Over the next decade, tools were developed 3 the World Wide Web. The idea that new technology is spreading faster than ever before has been accepted. The Citi report notes that it took 75 years for telephones to 4 50 million users, radio took 38 years and TV 13 years, while Angry Birds reached that goal in an only 35 days. One of 5, the authors note, appeared in Forbes - which recently pointed out that WhatsApp gained more followers in its first six years than Christianity did in its first 19 centuries.

military:	نظامی
protocol:	پروتکل
decade:	دهه
gain:	به دست آوردن
Christianity:	مسیحیت

- 1) introduced 2) which was introduced
3) was introduced 4) had introduced
- 1) normally 2) mainly 3) softly 4) rapidly
- 1) when created 2) created 3) to create 4) be created
- 1) forgive 2) achieve 3) deny 4) attack
- 1) the most colorful comparisons between two items
2) the more colorful comparisons between two items
3) two items are among the most colorful comparisons
4) between the two items the best colorful comparisons



نوع و سطح دشواری سوالات:

- ۱- عنوان متن: متوسط
- ۲- معنی واژه: آسان
- ۳- استنباطی: متوسط
- ۴- استنباطی: متوسط

بهترین روش برای پاسخ دادن به سوالات استنباطی، رد گزینه است. یعنی به سرعت گزینه‌ها را می‌خوانیم و گزینه‌هایی که منطقی به نظر نمی‌رسند و گاهی هم با «عقل سلیم» جور در نمی‌آیند را کنار می‌گذاریم. معمولاً ۲ گزینه از ۴ گزینه را می‌توان از این طریق کنار گذاشت.

همه می‌دانند که نوجوانان در مدرسه خواب‌آلود هستند. دانش‌آموزان بسیار زیادی تعداد ساعت‌های توصیه‌شده خوابی که نیاز دارند را ندارند تا در طول روز دوام بیاورند. اگرچه تعدادی از عوامل بر این امر تأثیر می‌گذارند، اما کمک می‌کند تا زمانی که از نوجوانان انتظار می‌رود هر روز صبح مدرسه را شروع کنند، را تغییر دهد. زمان شروع دیرتر، به دانش‌آموزان خواب کافی را می‌دهد تا برای یادگیری، بهتر آماده شوند.

پژوهش‌های بسیاری روی مقدار خواب موردنیاز دانش‌آموزان انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوجوانان هر شب حداقل به ۷ تا ۹ ساعت خواب نیاز دارند. یک نوجوان تغییرات زیست‌شناختی زیادی را تجربه می‌کند. در طول خواب، فعالیت و عملکردهای مغزی مهمی برای مدیریت این تغییرات انجام می‌شود. طبق گزارشات، فقط ۱۵ درصد از نوجوانان حداقل ۸ ساعت خواب در طول یک هفته که به مدرسه می‌روند، دارند.

وقتی نوجوانان خواب کافی ندارند، اتفاقات بدی می‌تواند حاصل شود. دانش‌آموزان به آسانی تحریک‌پذیر و بدخو می‌شوند. این مسائل می‌تواند به مشکلات رفتاری منجر شود و مانعی برای موفقیت‌های علمی شود. دانش‌آموزانی که کمبود خواب کافی دارند تمایل دارند تصمیمات آنی بگیرند و بیشتر خطر کنند. دانش‌آموزانی که از کمبود خواب رنج می‌برند دقت کم‌تری دارند، و ممکن است تمرکز کردن بر کارها و تکالیف پیچیده برایشان سخت‌تر شود.

نوجوانان احتمالاً به دلایل متعددی خوابشان را از دست می‌دهند. برخی از این دلایل درونی است. نوجوانان هم‌چنین با نیروهای خارجی هم مواجه هستند که آن‌ها را در طول شب بیدار نگه می‌دارد. فشارهای تکالیف، تمرین‌های ورزشی و بازی‌ها، و شغل‌هایی که ممکن است نوجوانان را بیرون از خانه نگه دارد و آن‌ها را تا دیروقت غروب فعال نگه دارد. برنامه اجتماعی نوجوانان نیز ممکن است آن‌ها را تا دیروقت بیدار نگه دارد.

اگرچه نمی‌توانیم بسیاری از این متغیرها را کنترل کنیم، اما عملی را که باید در نظر بگیریم دیرتر شروع کردن مدرسه دانش‌آموزان نوجوان است. نوجوانی که خوب استراحت کرده برای یادگیری آماده‌تر و بادقت‌تر است.

۱- کدام جمله ایده اصلی این مقاله را بهتر بیان می‌کند؟

- (۱) روزهای مدرسه باید کوتاه‌تر شود.
- (۲) نوجوانان یاد می‌گیرند که چگونه وقتشان را خوب مدیریت کنند.
- (۳) نوجوانان باید در روز، دیرتر به مدرسه بروند.
- (۴) درس‌های کم‌تری باید در متوسطه اول و دوم ارائه شود.

متن می‌فواهد بگوید که به خاطر اهمیت خواب، نوجوانان بهتر است کمی بیشتر بخوابند و دیرتر به مدرسه بروند تا ششایی نگرده مشکلی برایشان پیش نیاید!

۲- عبارت «going through» در پاراگراف ۲ تقریباً به چه معناست؟

- (۱) تجربه کردن
- (۲) تشویق کردن
- (۳) در نظر گرفتن، بررسی کردن
- (۴) شروع کردن

تک‌تک گزینه‌ها را با واژه مذکور در متن بایگزین کنید تا به جواب برسید. یک نوجوان تغییرات زیست‌شناختی زیادی را تجربه می‌کند. تشویق می‌کند. در نظر می‌گیرد. شروع می‌کند.

۳- کدام جمله از مقاله دانش‌آموز این ایده را حمایت می‌کند که بیشتر نوجوانان در حال حاضر مقدار خواب مناسبی ندارند؟

- (۱) بیشتر این پژوهش نشان داده که نوجوانان هر شب حداقل به ۷ تا ۹ ساعت خواب نیاز دارند.
- (۲) طبق گزارشات، فقط ۱۵ درصد از نوجوانان حداقل ۸ ساعت خواب در طول یک هفته که به مدرسه می‌روند، دارند.
- (۳) دانش‌آموزانی که کمبود خواب کافی دارند تمایل دارند تصمیمات آنی بگیرند و بیشتر خطر کنند.
- (۴) نوجوانان احتمالاً به دلایل متعددی خوابشان را از دست می‌دهند.

وقتی فقط ۱۵ درصد نوجوانان خواب کافی دارند، یعنی این‌که بیشتر نوجوانان در حال حاضر مقدار خواب مناسبی ندارند.



۴- این جمله از پاراگراف ۴ را بخوانید.

فشارهای تکالیف، تمرین‌های ورزشی و بازی‌ها، و شغل‌هایی که ممکن است نوجوانان را بیرون از خانه نگه دارد و آن‌ها را تا دیروقت غروب فعال نگه دارد.

موثرترین راه برای ترکیب ایده‌های جمله مشخص شده چیست؟

(۱) تکالیف، شغل‌ها و تمرین‌هایی برای بازی‌ها

(۲) فشارهای تکالیف، ورزش و شغل

(۳) کامل کردن تکالیف، رقابت در ورزش‌ها، کارکردن در یک شغل، یا تمرین با یک تیم

(۴) فشارهای متعدد بعد از مدرسه، مثل تکالیف، بازی‌های ورزشی، تمرین‌های ورزشی و شغل‌ها

با این که سوال شلوغ‌بلوخی است، ولی پاسخ‌دارن به آن آسان است. کافی است لپ مطلب تک‌تک عبارات آن را به ترتیب بنویسید.

🌸 هنگامی که یکی از اعضای خانواده فوت می‌کند، شاید متوجه شوید که سایر روابط خانواده دچار تغییر می‌شود. هر عضو خانواده روش عزاداری خود را دارد و یا ممکن است نیازهای او با نیازهای شما فرق داشته باشد. همچنین، روابط متفاوت زیادی وجود دارد که از بین می‌رود و هر کدام به روش متفاوتی عزاداری می‌شود. برای مثال، رابطه شما با مادرتان با رابطه خواهر، پدر یا مادر بزرگتان با او متفاوت است. خانواده‌ها معمولاً با فقدان یکی از اعضای خانواده از طریق «انتصاب مجدد» نقش‌های فرد متوفی به اعضای دیگر خانواده، سازگار می‌شوند. یعنی، خانواده باید مجدداً خود را تعریف کند. برای مثال، والدی که همسرش می‌میرد ممکن است متوجه شود که خودش تلاش می‌کند هم پدر و هم مادر فرزندش باشد. والد باقی‌مانده ممکن است برخی نقش‌های والدی که فوت کرده است را برعهده بگیرد و چیزهای دیگر ممکن است رها شوند یا به شخصی غیر از پدر و مادر محول شوند. یا اگر مادری بمیرد، اعضای خانواده ممکن است انتظار داشته باشند خواهر و برادرهای بزرگ‌تر برای برعهده گرفتن نقش مادری برای خواهر و برادرهای کوچک‌تر قدم پیش بگذارند.

نوع و سطح دشواری سوالات:

- ۱- هدف نویسنده: متوسط
- ۲- جزئی: متوسط
- ۳- هدف نویسنده: سخت
- ۴- انتقالی: آسان

هر وقت دیدید گزینه‌ها خیلی طولانی هستند. نترسید! از طریق ردگزینه به جواب برسید. مطمئن باشید تعداد زیادی از گزینه‌ها به صورت تابلویی غلط هستند.

فرایند بازتعریف خانواده نیاز به گذر زمان دارد و با آزمون و خطا همراه است. وقتی کسی در خانواده فوت می‌کند، نقش‌های خانواده ممکن است تغییر کند یا با هم از بین بروند. وقتی شما خود را بدون یکی از عزیزانتان دوباره تعریف می‌کنید، نقش‌ها و مسئولیت‌هایی که نمی‌خواهید را برعهده نگیرید. اگر خواهر کوچک‌تر شما اغلب از مادر شما در زندگی روزانه خود مشورت می‌گیرد و اکنون به شما رو آورده، مشخص کنید آیا این چیزی است که شما می‌خواهید یا می‌توانید آن را برعهده بگیرید. به احساسات خود توجه کنید و زمانی که نیازهای جدید پیش می‌آید، از خود بپرسید بهترین چیز برای شما چیست؟ غالب اوقات خوب است در مورد تصمیمات خود با یکی از دوستان، همکاران یا به خصوص در موقعیت‌های دشوار با یک درمانگر حرف‌های صحبت کنید.



۱- هدف اصلی نویسنده در متن چیست؟

- ۱) ترغیب کردن خوانندگان به حفظ روابط خانواده حتی الامکان، نزدیک به هم در شرایط دشوار
- ۲) مقایسه اعضای خانواده بر حسب چگونگی واکنش آن‌ها به مرگ یکی از عزیزان
- ۳) توصیف احساسات دردناکی که اعضای خانواده پس از مرگ یکی از نزدیکانشان دارند
- ۴) توضیح روابط خانواده براساس سازش با مرگ یکی از عزیزانشان

۲- براساس متن، فرایند تعریف دوباره خانواده مستلزم همه موارد زیر است به جز _____ .

- ۱) امتحان کردن ابزار مختلف
- ۲) شناسایی دلیل شکست
- ۳) حذف همه نقش‌های قبلی خانواده

۴) تمایل به قبول مسئولیت‌های جدید

۳- کدام گزینه به بهترین نحو نقش جمله مشخص شده در پاراگراف ۲ را توصیف می‌کند؟

- ۱) یک نتیجه منفی از پذیرش نقش‌ها یا مسئولیت‌هایی که دوست ندارید را توصیف می‌کند.
- ۲) نمونه‌ای برای ادعایی که قبلاً در متن بود را فراهم می‌کند.
- ۳) استدلالی که قبلاً در متن صورت گرفت را تضعیف می‌کند.
- ۴) شباهت‌های بین مادران و خواهران بزرگ‌تر را بررسی می‌کند.

۴- پاراگراف بعد از این متن به احتمال زیاد درباره چه چیزی بحث می‌کند؟

- ۱) تقاضاهایی که در نتیجه از دست دادن یکی از اعضای خانواده پیش می‌آید
- ۲) یک دید جدید به روابط شما با دوستان، همکاران یا درمانگرها
- ۳) کمک‌های دوستان، همکاران یا درمانگرها به کسی که یکی از اعضای خانواده‌اش را از دست داده است
- ۴) مزایا و معایب طلب کمک حرفه‌ای پس از مرگ یکی از نزدیکان

• در همان پاراگراف اول و حق پاراگراف بعدی درباره سازگار شدن آدم‌ها با مرگ یکی از عزیزانشان حرف زده است.

• در خط سوم پاراگراف ۲ به این موضوع اشاره کرده است که اگر تمایلی ندارید، مسئولیتی را قبول نکنید که این مسئله مخالف گزینه ۴ است.

• در خط‌های بالاتر ادعا یا حرفی زده شده که در پایین‌تر با ذکر مثال می‌شواهد آن را با پندازد.

• جمله آخر پاراگراف آخر به صحبت کردن با یک دوست، همکار یا درمانگر حرفه‌ای پرداخته است که قطعاً موضوع پاراگراف احتمالی بعدی خواهد بود.



Reading 42

😊 بسیاری از مردم برای تردد به ماشین‌ها متکی هستند. این، به دو دلیل می‌تواند مشکل‌ساز باشد. اولین دلیل این است که اتومبیل‌ها باعث ایجاد آلودگی می‌شوند. با وجود تعداد زیادی اتومبیل در جاده، کیفیت هوایی که تنفس می‌کنیم کاهش می‌یابد. زمین زیستگاه ماست و ما باید از آن محافظت کنیم. دومین دلیل این است که اتومبیل‌ها با سوخت کار می‌کنند که از نفت به دست می‌آید. مقدار محدودی نفت در جهان وجود دارد. وقتی نفت ما به پایان برسد، نمی‌توانیم آن را جایگزین کنیم. بنابراین، باید سعی کنیم آن را حفظ کنیم.

نوع و سطح دشواری سوالات:

- ۱- جزئی: آسان
- ۲- جاگه‌اری: متوسط
- ۳- ساده‌سازی: متوسط
- ۴- هدف نویسنده: سخت

(۱) یک راه‌حل، طراحی خودروهایی است که مصرف سوخت کم‌تری دارند. امروزه کارآمدترین خودروها، خودروهای هیبریدی نام دارند. آن‌ها با بنزین و برق کار می‌کنند. آن‌ها با خاموش کردن موتور هنگام حرکت اتومبیل، در مصرف انرژی صرفه‌جویی می‌کنند. (۲) آن‌ها هنگامی که در ترافیک گیر می‌کنند، بنزین هدر نمی‌دهند. منبع برق آن‌ها یک باتری است. (۳) هنگامی که راننده از ترمز استفاده می‌کند، ماشین خود را شارژ می‌کند. به این ترتیب، راننده هرگز مجبور نیست برای شارژ آن، دوشاخه را به برق بزند. خودروهای هیبریدی موتورهای کوچک‌تری نیز دارند. (۴) این بدان معنی است که آن‌ها از بنزین کم‌تری استفاده می‌کنند. آن‌ها می‌توانند با همان مقدار بنزین بیست و پنج تا چهل درصد بیشتر از اتومبیل معمولی راه بروند.

باز تکرار می‌کنیم که در درک مطلب‌های کتور کلی واژه خارج از کتاب می‌بینید و لازم هم نیست که حتماً معنی آن‌ها را بدانید. اما حفظ کردن معنی واژگان کتاب پت و متن باعث می‌شود این تعداد واژه ناآشنا برایتان به شدت کم‌تر شود و سرعت درک مطلب شما بالاتر رود.

آلودگی منجر به گرمای جهانی می‌شود و این امر باعث تغییرات اقلیمی می‌گردد. این می‌تواند زندگی روی زمین را به خطر بیندازد. یک نمونه از این موارد، گونه‌های حیوانات هستند که در حال انقراض‌اند. به این ترتیب، یک پویش جهانی با هدف محدود کردن مقدار آلودگی زیادی که ما تولید می‌کنیم وجود دارد. تغییر خودروها به خودروهای هیبریدی یک هدف مهم است. متأسفانه، همه به هوای پاک اهمیت نمی‌دهند. اما آن‌ها به پول اهمیت می‌دهند. با افزایش قیمت بنزین، خودروهای هیبریدی جذاب‌تر به نظر می‌رسند. برخی دولت‌ها هزینه برنامه‌هایی را برای جذاب‌تر کردن خودروهای هیبریدی تأمین می‌کنند. آن‌ها برای افرادی که آن‌ها را خریداری می‌کنند، مالیات کم‌تری می‌بُرند. روزی، خودروهای هیبریدی باید جایگزین خودروهای معمولی به عنوان وسیله نقلیه استاندارد در سراسر جهان شوند.

۱- مطابق متن، کدامیک از موارد زیر به عنوان روشی که خودروهای هیبریدی در مصرف سوخت صرفه‌جویی می‌کنند، ذکر نشده است؟

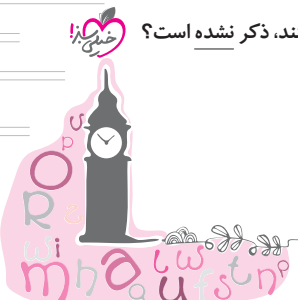
(۱) آن‌ها زمانی که حرکت نمی‌کنند، بنزین هدر نمی‌دهند.

♥ (۲) آن‌ها با سوخت زیستی کار می‌کنند.

• با اسکن کردن سریع متن به رافع متوجه می‌شویم که متن از bio-fuel معرفی نکرده است.

(۳) آن‌ها موتورهای کوچکی دارند.

(۴) آن‌ها برق خود را تولید می‌کنند.



۲- بهترین جا برای جمله «امروزه بیشتر موتورهای اتومبیل بسیار بزرگ تر از آنچه هستند که باید باشند» در متن کجاست؟

۴ (۴) ♥

۳ (۳)

۲ (۲)

۱ (۱)

• قبل از پرانتژ شماره ۴ درباره کوچک تر بودن موتورهای هیبریدی حرف زده است، و حالا می‌خواهد زیرآب موتور ماشین‌های پدید را هم بزند، بنابراین، پایش در پرانتژ شماره ۴ است.

۳- کدام یک از موارد زیر به بهترین وجه بیانگر اطلاعات اساسی در جمله مشخص شده، است؟

(۱) آن‌ها نسبت به اتومبیل‌های معمولی از برق کم‌تری استفاده می‌کنند.

(۲) آن‌ها سریع‌تر از اتومبیل‌های معمولی هستند.

(۳) آن‌ها درازتر از اتومبیل‌های معمولی هستند.

♥ (۴) آن‌ها می‌توانند با همان میزان بنزین، بیشتر از اتومبیل‌های معمولی راه بروند.

۴- چرا نویسنده از انگیزه‌های مالی برای خرید یک خودروی هیبریدی نام می‌برد؟

(۱) برای نشان دادن این‌که خودروهای هیبریدی گزینه عاقلانه‌ای برای همه هستند

♥ (۲) اشاره به این‌که خودروهای هیبریدی باید قابل خریدتر باشند

(۳) اشاره به این‌که افراد فقیر نگران محیط زیست نیستند

(۴) نشان می‌دهد که فقط متخصصان محیط زیست مایل

به خرید خودروهای هیبریدی هستند

• گزینه ۴ دقیقاً حرف دل همان جمله مشخص شده را می‌زند و گزینه‌های دیگر یا درباره برق حرف می‌زنند، یا سرعت یا درازای اتومبیل‌ها که ربطی به جمله مشخص شده ندارند.

• یادتان باشد که ردگزینه معوزه می‌کند! گزینه‌های ۳ و ۴ به راحتی کنار می‌روند چون ربطی به کاهش مالیات برای فریداران ماشین‌های هیبریدی ندارند. هدف از کاهش مالیات هم قابل فریدکردن این خودروها است.



نوع و سطح دشواری سوالات:

- ۱- عنوان پاراگراف‌ها: سخت
- ۲- جزئی: سخت
- ۳- استنباطی: سخت
- ۴- عنوان متن: سخت

یک وقت‌هایی هم از دستشان درمی‌رود و درک مطلب سخت می‌دهند. خب، سخت برای همه سخت است. لازم هم نیست که به همه آن‌ها درست جواب دهید. نصفش هم کافیست!

متخصصان بهداشت جسم و روان ممکن است به دلایل مختلف ارجاع بیمار به یک موسیقی درمانگر را مورد بررسی قرار دهند. به نظر می‌رسد برای یک مددکار اجتماعی که در حال هماهنگی پروندهٔ ارباب‌رجوع است، انتخاب خاص خوبی باشد. موسیقی‌درمانگرها با استفاده از فعل و انفعالات بسیار منظم موسیقایی، از موسیقی برای ایجاد رابطه با بیمار و بهبود سلامت او استفاده می‌کنند. بیماران و درمانگران ممکن است آواز بخوانند، ساز بنوازند، برقصند، آهنگسازی کنند یا فقط به موسیقی گوش دهند.

دورهٔ آموزش موسیقی‌درمانی بسیار جامع است. علاوه بر آموزش رسمی موسیقی و درمان، به متخصص موسیقی‌درمانی یاد داده می‌شود که تشخیص دهد چه نوع دخالت‌های پزشکی [برای هر بیمار بیشترین بهره را خواهد داشت]. از آن‌جا که هر بیمار متفاوت است و اهداف مختلفی دارد، درمانگر باید قادر به درک وضعیت بیمار باشد و موسیقی و فعالیت‌هایی که بیشترین کمک را در جهت دستیابی به اهداف بیمار می‌کند، انتخاب کند. مددکار اجتماعی ارجاع‌دهنده می‌تواند با انتقال واضح تاریخچهٔ هر ارباب‌رجوع، به این فرایند کمک کند.

اگرچه ممکن است بیماران مهارت‌های موسیقی خود را توسعه دهند، اما این هدف اصلی موسیقی‌درمانی نیست. هر ارباب‌رجوع که نیاز به کارکردن بر روی ارتباطات یا مهارت‌های اجتماعی، عاطفی و تحصیلی داشته باشد و پاسخی به درمان سنتی نمی‌دهد، گزینهٔ بسیار خوبی برای موسیقی‌درمانی است.

۱- کدام یک از موارد زیر به بهترین نحو موضوعات اصلی که در این متن به آن‌ها پرداخته شده را تشکیل می‌دهد؟

- (۱) نقش موسیقی‌درمانی در کارهای اجتماعی، پیداکردن یک موسیقی‌درمانگر، ارجاع بیماران به موسیقی‌درمانگرها
- (۲) استفاده از موسیقی در درمان، مداخله‌های معمولی موسیقی‌درمانی، چه موقع موسیقی‌درمانی برای جامعهٔ بیماران باید تجویز شود
- (۳) **موسیقی‌درمانی و کارهای اجتماعی، آموزش موسیقی‌درمانی، مهارت‌هایی که توسط موسیقی‌درمانی مطرح می‌شود**
- (۴) نحوهٔ انتخاب موسیقی‌درمانگر، چه زمانی به یک موسیقی‌درمانگر مراجعه کنیم، چه کسی بیشترین بهره را از موسیقی‌درمانی می‌برد

• ترتیب موارد ذکر شده در گزینهٔ ۳ با ترتیب مفهومی پاراگراف‌ها هم‌خوانی دارد.



۲- براساس اطلاعات ارائه شده در متن، موسیقی درمانی می تواند برای مراجعه کننده های مددکاری اجتماعی که _____ تجویز شود.

- ۱) نیاز به مهارت های موسیقایی دارند
- ۲) از کودکی معلول شده بودند
- ۳) نیاز به حل مسائل خانوادگی دارند

• در قط دوام پاراگراف ۳، به گزینه ۴ اشاره شده است. سایر گزینه ها در هیچ های متن ذکر نشده اند.

۴) نیاز به بهبود مهارت های اجتماعی دارد

۳- کدام یک از استنباط های زیر را می توان از متن دریافت کرد؟

۱) موسیقی درمانی در جایی که درمان های سنتی شکست خورده اند می تواند موفق شود.

۲) موسیقی درمانی رشته نسبتاً جدیدی است.

۳) موسیقی درمانی به طور خاص برای کودکان مفید است.

۴) موسیقی درمانی فقط در تعداد محدودی از شرایط مناسب است.

• در جمله آخر متن بیان شده است که اگر بیمار به درمان های سنتی پاسخ ندهد، موسیقی درمانی به کارش می آید.

۴- کدام یک از موارد زیر مناسب ترین عنوان برای این متن خواهد بود؟

۱) نحوه استفاده از موسیقی برای مبارزه با افسردگی

۲) آنچه باید مددکاران اجتماعی درباره موسیقی درمانی بدانند

۳) آموزش برای یک شغل در موسیقی درمانی

۴) مددکار اجتماعی به عنوان موسیقی درمانگر

• در همه پاراگراف ها سعی شده به مددکاران اجتماعی بگوید که موسیقی درمانی چیست و به چه درد می خورد و چه چیزهای دیگری باید درباره آن بدانند.



51 Reading

نوع و سطح دشواری سوالات:

- ۱- عنوان متن: سخت
- ۲- ارجاعی: متوسط
- ۳- استنباطی: متوسط
- ۴- استنباطی: سخت

پس از اتمام تست زدن، حتماً به تحلیل آزمون بپردازید. تحلیل آزمون تسلط بسیار زیادی در مهارت تست زنی به شما می‌دهد. تمامی گزینه‌ها را تحلیل کنید. حتی تمام گزینه‌های سوالاتی را که درست پاسخ داده‌اید.

😊 در طی ده‌ها سال، جهانگردی رشدی مداوم و تنوع عمیقی را تجربه کرده است تا به یکی از سریع‌ترین بخش‌های اقتصادی روبه‌رشد در جهان تبدیل شود. گردشگری مدرن با توسعه ارتباط تنگاتنگی دارد و تعداد روزافزونی از مقاصد جدید را دربر می‌گیرد. این پویایی‌ها گردشگری را به محرک اصلی برای پیشرفت اجتماعی - اقتصادی تبدیل کرده است.

امروز، حجم کسب‌وکار گردشگری مساوی و یا حتی بیشتر از حجم صادرات نفت، محصولات غذایی یا اتومبیل است. گردشگری به یکی از مهم‌ترین بازیگران تجارت بین‌المللی تبدیل شده است و در عین حال یکی از منابع اصلی درآمد برای بسیاری از کشورهای درحال توسعه است. این رشد همراه با افزایش تنوع و رقابت بین مقصدهای گردشگری است.

گسترش جهانی گردشگری در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته موجب ایجاد مزایای اقتصادی و اشتغال در بسیاری از بخش‌های مرتبط - از ساخت و ساز تا کشاورزی یا مخابرات شده است. سهم گردشگری در رفاه اقتصادی به کیفیت و درآمدهای حاصل از پیشنهاد (آخر) گردشگری

بستگی دارد. سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد (UNWTO) به مقاصد گردشگری در موقعیت پایدارشان حتی در بازارهای بین‌المللی و ملی پیچیده‌تر کمک می‌کند. UNWTO به عنوان آژانس سازمان ملل متحد که به گردشگری اختصاص داده شده است، خاطرنشان می‌کند که کشورهای درحال توسعه از درآمد گردشگری پایدار بهره‌مند شوند و برای تحقق این امر اقدام کنند.

۱- بهترین عنوان برای این متن چیست؟

- ۱) سهم UNWTO در جهانگردی
- ۲) جهانگردی در کشورهای درحال توسعه: نکات مثبت و منفی
- ۳) جهانگردی: یک پدیده اقتصادی و اجتماعی
- ۴) ظهور اقتصاد مبتنی بر گردشگری

۲- واژه **that**، در پاراگراف ۲ به _____ اشاره دارد.

- ۱) حجم
- ۲) بازرگانی، دادوستد
- ۳) گردشگری
- ۴) صادرات

• تک تک پاراگراف‌ها در باره نقش گردشگری در اقتصاد حرف می‌زنند.

• با پایگزین کردن تک تک گزینه‌ها به پای **that** در جمله به گزینه ۱ می‌رسیم؛ «امروز، مهم کسب‌وکار گردشگری مساوی و یا حتی بیشتر از (مهم - دادوستد - گردشگری - صادرات) صادرات نفت، محصولات غذایی یا اتومبیل است.»

۳- می‌توان از متن استنباط کرد که کشورهای درحال توسعه از گردشگری بهره بیشتری خواهند برد اگر _____ .

• در دو خط آخر متن به گزینه ۳ اشاره شده است.

۴ اقداماتی انجام دهند تا اطمینان حاصل کنند که صنعت گردشگری‌شان دارای رشد پایدار است

۴) تشخیص دهند که رقابت در بین مقاصد گردشگری شدیدتر و سخت‌تر می‌شود



۴- برای پاسخ دادن به کدام سؤال زیر اطلاعات کافی در متن وجود دارد؟

- ۱) چه نوع مقصد، بیشتر مورد توجه گردشگران امروزی است؟
- ۲) چرا رشد گردشگری از اهمیت بیشتری برای کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته برخوردار است؟
- ۳) برخی از سیاست‌ها برای اطمینان پیدا کردن از پایداری در توسعه گردشگری چیست؟
- ۴) متغیرهای تأثیرگذار بر سهم گردشگری در رفاه اقتصادی کشورهای مورد نظر چیست؟

در همه پاراگراف‌ها به تأثیر گردشگری بر اقتصاد و رفاه کشورهای در حال توسعه پرداخته است. در این سبک سؤال باید هواسمان به این باشد که آیا در گزینه‌ها موضوعات مورد بحث نویسنده متن وجود دارد یا نه. بهترین روش پاسخگویی هم، رد کردن گزینه‌های غلط است.

Reading 59

😊 یک فاجعه طبیعی در آمریکای جنوبی در حال رخ دادن است. جنگل‌های بارانی آمازون که گفته می‌شود ۲۵ درصد اکسیژن زمین را تأمین می‌کند، در ۲۰ روز گذشته در حال سوختن بوده است. هر دقیقه، یک منطقه به بزرگی یک زمین فوتبال با آتش ویران می‌شود. این حوادث آتش‌سوزی در مقایسه با سال گذشته، ۸۰ درصد بیشتر بوده و جان حیوانات، گیاهان و حتی انسان‌ها را تهدید می‌کند. در واقع، زیستگاه‌های طبیعی حیوانات مختلفی نابود شده است و گونه‌های گیاهی بی‌شماری از بین رفته‌اند. هم‌چنین آتش‌سوزی باعث از بین رفتن پوشش گیاهی می‌شود و خاک را برای رشد گیاهی نامرغوب می‌کند.

در حالی که هیچ اقدام جدی تاکنون برای کنترل آتش صورت نگرفته است، برخی، گله‌داران و کشاورزان را مقصر می‌دانند که معمولاً به خاطر زراعت به جنگل‌زدایی دست می‌زنند و جنگل‌ها را آتش می‌زنند. دیگران تقصیر را به گردن چوب‌برهایی که درختان را برای استفاده در صنعت قطع می‌کنند، می‌اندازند.

نوع و سطح دشواری سوالات:

- ۱- لحن نویسنده: آسان
- ۲- ارجاعی: آسان
- ۳- جمله پشتیبیان: سخت
- ۴- استنباطی: متوسط

آشنایی با مشاهیر جهان و ایران

بخش آخر: هنرمندان
Leonardo da Vinci:
لئوناردو دا وینچی



Rembrandt:	رامبرانت
Raphael (Raffaello Sanzio):	رافائل
Michelangelo:	میکل آنژ
Fra Angelico:	فرا آنجلیکو
Edvard Munch:	ادوارد مونک
Vincent van Gogh:	ونسان ون گوگ
Pablo Picasso:	پابلو پیکاسو
Salvador Dali:	سالوادور دالی
Georges Seurat:	ژرژ سورا
Gustav Klimt:	گوستاو کلیمت
Claude Monet:	کلود مونه
Grant Wood:	گرنٹ وود
René Magritte:	رنه ماگریت
Jackson Pollock:	جکسون پالاک
Pierre-Auguste Renoir:	پیر آگوست رنوآر
Cassius Marcellus Coolidge:	کاسیوس کولیدج
Édouard Manet:	ادوار مانه

اما مضمون اصلی می‌تواند رئیس‌جمهور برزیل باشد. او در حین رقابت‌های انتخاباتی‌اش، به کشاورزان قول داد که مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست را کاهش دهد تا به آن‌ها این امکان را بدهد که جنگل‌زدایی کنند و اقتصاد و وضعیت اقتصادی مردم برزیل را با کشاورزی بهبود ببخشند. اکنون، با مواجهه با انتقادات عمومی در سطح ملی و بین‌المللی، او این اتهامات را رد می‌کند و دیگران را مقصر می‌داند. مهم نیست چه کسی باید سرزنش شود، جنگل‌های انبوه در حال خاکسترشدن هستند در حالی که جهان فقط نظاره‌گر آن است. این کاملاً تأسفاور است که به جای پیوستن به نیروها برای خاموش کردن آتش، همه به نظر درگیر بازی احمقانه سرزنش کردن یکدیگر شده‌اند.

۱- به نظر می‌رسد که نویسنده راجع به واکنش جهانی به آتش‌سوزی در جنگل‌های بارانی آمازون ابراز _____ می‌کند.

- ۱) پشتیبانی (۲) همدردی (۳) خوشحالی (۴) انتقاد

• نویسنده دائم در حال کوبیدن این و آن است و به شدت لحن انتقادی به این آتش‌سوزی دارد.

۲- واژهٔ **who**، در پاراگراف دو، خط دو به _____ اشاره دارد.

- ۱) اقداماتی که تا حالا انجام شده

۲) کنترل آتش

۳) گلهداران و کشاورزان

۴) کسانی که گلهداران و کشاورزان را مقصر می‌دانند

۳- کدام جمله را می‌توان به عنوان جملهٔ پشتیبان در پاراگراف دوم استفاده کرد؟

۱) گرچه عوامل طبیعی مانند هوای گرم و نور آفتاب نیز می‌تواند گاهی اوقات باعث آتش‌سوزی شود.

۲) رهبران جهان که در اجلاس G7 فرانسه حضور داشتند، او را به دلیل عدم اقدام سرزنش کردند و از او خواستند که فوراً به اوضاع رسیدگی کند.

۳) از جنگل‌های بارانی آمازون به عنوان ریه‌های سیارهٔ زمین یاد می‌شود.

۴) این یک تهدید جدی برای تنوع زیستی در جنگل‌های بارانی است.

• در کتاب دوازدهم دربارهٔ supporting sentence فوایدیم. در آن‌ها گفته شده که این جملات باید به موضوع یا عنوان پاراگراف مرتبط باشند. گزینهٔ ۱ می‌تواند به عنوان یک جملهٔ پشتیبان در پاراگراف ۲ مورد استفاده قرارگیرد چون کاملاً به موضوع این پاراگراف مربوط است.

۴- کدام یک از جملات زیر را می‌توان از متن استنباط کرد؟

۱) رئیس‌جمهور برزیل یک گلهدار و زمین‌دار است که می‌خواهد برای خودش جنگل‌زدایی کند.

۲) مقررات سخت‌گیرانه مانع کشاورزان، گلهداران، و سایرین از آتش‌زدن جنگل‌های بارانی شده است.

۳) حیوانات و گیاهان به اندازهٔ کافی قوی هستند که بتوانند از آتش‌سوزی‌ها جان سالم به در ببرند و ما فقط باید روی نجات جان انسان‌ها تمرکز کنیم.

۴) برای تهیهٔ مواد اولیه برای صنایع و کارخانه‌های مختلف، باید از جنگل‌های بارانی آمازون بهره‌برداری شود.

• و باز هم ردگزینه! در اکثر مواقع حداقل دو گزینه در سوالات استنباطی پرت وپلا هستند. مثلاً گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ را می‌توان با اندک تاملی به راحتی کنار گذاشت. ضمن این‌که رئیس‌جمهور برزیل قول داده بود که مقررات سخت‌گیرانه را کاهش دهد و این مسئله به این معناست که مقررات سختگیرانه‌ای وجود داشته که مانع کار کشاورزان برای جنگل‌زدایی شده است.



Close 17

😊 علی‌رغم کثرت فعالیت‌های اطلاع‌رسانی که مردم را از گرمای جهانی و دلایلش با خبر می‌کنند، هنوز بیشتر مردم هم‌چنان باید از وخامت این مسئله آگاه شوند. تغییرات جوی آبی می‌تواند تا پایان قرن ۲۲، به اندازه یک سوم، زیستگاه‌های جانوری و گیاهی را تغییر دهد. این تغییرات به نوبه خود می‌تواند سبب انقراض گسترده گونه‌های جانوری و گیاهی در جهان شود. زیستگاه‌های موجود در سواحل و جزایر شاید در معرض بیشترین خطر باشند زیرا آن‌ها یا تهدیدهای توأمان گرم‌شدن اقیانوس‌ها و بالا آمدن سطح دریاها مواجه هستند. زمانی که زیستگاه‌ها تغییر می‌کنند، بسیاری از حیوانات برای یافتن خانه‌های مناسب‌تر برای خودشان، تحت فشار شدیدی قرار می‌گیرند. مهاجرت‌های انبوه دست‌کم برخی از حیوانات یقیناً قابل انتظار است، اما واقعیت امر این است که بسیاری از حیوانات اصلاً قادر نخواهند بود آن قدر که باید، سریع جابه‌جا شوند.

۱- by the end of به معنی «تا پایان» است. بنابراین گزینه ۲ صحیح است.

- ۲- (۱) رویداد (۲) مقصد (۳) شرایط (۴) انقراض
 ۳- (۱) ایجاد کردن (۲) مواجه شدن با (۳) تأسیس کردن (۴) جلوگیری کردن
 ۴- (۱) ممکن (۲) جدی (۳) مناسب (۴) منظم

۵- از but برای بیان تضاد استفاده می‌کنیم. گزینه ۴ صحیح است.

یک نصیحت:

هرگز واژگانی که از لحاظ املائی، گرامری و یا حتی حیطه معنایی شبیه هم هستند را با هم یاد نگیرید. چون قلمی می‌کنید. مثلاً بعضی از دانش‌آموزان سلیقه به خرج می‌دهند و واژگان plant, plane, plan, plain را در گوشه‌ای از کتاب یا دفترشان می‌نویسند. در این صورت، تا عمر هست این‌ها را با هم اشتباه می‌گیرند. بهتر است هر کدام را جداگانه در متون متفاوت و با فاصله زمانی از یکدیگر یاد کنید.



Close 18

😊 تقریباً ۱۴۰ کشور وجود دارد که به جهان سوم تعلق دارند که با عناوین در حال توسعه، کم‌تر توسعه یافته و کشورهای فقیر معروف هستند. هر چند تفاوت‌های زیادی بین آن‌ها وجود دارد، اما در تعدادی از ویژگی‌ها مشترک هستند. برای مثال، بخش بسیاری از جهان سوم در فقر است. عربستان سعودی، کویت و لیبی تعدادی از استثنائات بر این قاعده هستند. با این حال، به این خاطر که اقتصاد این کشورها تا حد زیادی به یک کالای صادراتی یعنی نفت متکی است، آن‌ها همچنان در بازار جهانی آسیب‌پذیر هستند. بیشتر کشورهای در حال توسعه هنوز صنعت بسیار اندکی دارند. کشاورزی تنها راهی است که با آن می‌توانند درآمد ایجاد کنند. حتی بدتر، بسیاری از این کشورها فقط به اندازه‌ای غذا تولید می‌کنند که جمعیت خود را زنده نگه دارند.

۱- گزینه ۳ صحیح است. اول این‌که به خاطر حرف ربط and که قبل از آن یک جمله موصولی آمده، در پای قالی هم از جمله موصولی استفاده می‌کنیم که باید با یک ضمیر موصولی مناسب همراه باشد. «دو» این‌که با توجه به معنی جمله باید از فعل مجهول (are known) استفاده کنیم. آخر این‌که «be known as» به معنی «معروف بودن به عنوان» است.

۲- گزینه ۲ صحیح است. عبارت «have ... in common» به معنی «در پیروی مشترک بودن» است. معنی سایر گزینه‌ها:

(۱) (in) به طور کلی (۳) (in) به طور خاص (۴) (in) به طور خلاصه

۳- گزینه ۳ صحیح است؛ چون exceptions (استثناات) یک اسم قابل شمارش جمع است، با a few یا a few همراه می‌شود. از آن‌فایی که تعدادی کشور وجود دارند و تعداد آن‌ها هم کافی است، از a few استفاده می‌کنیم. یادآور می‌شویم که few در جملاتی می‌آید که تعداد آن اسم، ناگفتی و ناچیز است.

۴- در این نوع گزینه‌های طولانی که همیداً باب میل طراحان کلتور هم شده، بهترین روش، ترجمه درست جمله است، و سپس به درست بودن ساختار گزینه می‌پردازیم. تنها گزینه‌ای که با اسلوب درست عبارت موصولی و هروف تعریفی که قبل از اسم می‌آید در دست است، گزینه ۱ می‌باشد. عبارت موصولی، توصیف‌کننده the only way است که باید بعد از آن بیاید و عموماً اگر بعد از یک اسم عبارت موصولی بیاید، آن اسم معرفه می‌شود و با حرف تعریف the می‌آید.

۵- گزینه ۴ صحیح است. keep alive به معنی «زنده نگه داشتن» است.

- (۱) احساس کردن (۲) ساختن (۳) فرار کردن

اما یکی از سخت‌ترین سوالات کلتور تست، سوالات حرف اضافه‌ای است. هم باید معنی حروف اضافه را به تنهایی یاد بگیریم. و هم حروف اضافه را در ارتباط با برخی از افعال و صفات یاد بگیریم. در ادامه شما را با معنی برخی از حروف اضافه مهم آشنا می‌کنیم:

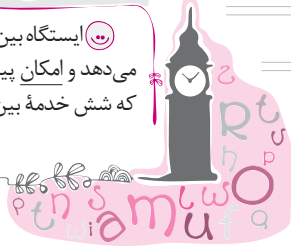
- about: درباره
 above: بالای
 against: در برابر
 at: در، به
 below: زیر
 beyond: آن سوی، فراتر از
 بیرون از، خارج از
 by: به وسیله، تا
 during: در طی
 for: برای، به مدت
 from: از
 into: درون
 in: در
 over: بالای
 since: از
 with: با
 without: بدون
 within: در، در بین



33 Close



😊 ایستگاه بین‌المللی فضایی مکانی منحصر به فرد است - مکانی برای رویارویی علم، فناوری و نوآوری بشری که فناوری‌های نوین را نمایش می‌دهد و امکان پیشرفت‌های تحقیقاتی که امکانش بر روی زمین نیست را فراهم می‌سازد. این ایستگاه یک آزمایشگاه میکروگرانشی است که شش خدمه بین‌المللی آن در حالی که با سرعت ۵ مایل بر ثانیه، هر ۹۰ دقیقه یک بار دور زمین می‌گردند در آن زندگی و کار می‌کنند.



کاربردهای SINCE:
 دارای ۲ کاربرد است:

۱. بیان علت: به معنی چون که
 (طریقه تشخیص: ترجمه)

Since you are unable
 to answer, perhaps we
 should ask someone else.

چون شما قادر نیستید پاسخ
 دهید. شاید بهتر باشد از کس
 دیگری بپرسیم.

۲. در بیان علت. since. as و
 because فرقی چندانی با هم
 ندارند و می‌توان در دو مثال بالا
 هم از because استفاده کرد و
 هم از as.

ایستگاه فضایی از نوامبر سال ۲۰۰۰ تاکنون دائماً مورد استفاده قرار گرفته است. در این مدت، بیش از ۲۰۰ نفر از ۱۵ کشور در آن حضور داشته‌اند. خدمه این ایستگاه هفته‌ای ۳۵ ساعت را به انجام پژوهش در بسیاری از زمینه‌ها برای پیشبرد دانش علمی در علوم مرتبط با زمین، فضا، فیزیک و زیست برای ارتفاع (سود) زندگی بشر بر روی سیاره خودمان وقت صرف می‌کنند.

- ۱- ۱) ممکن، احتمالی (۲) خانگی، داخلی (۳) غلیظ، متراکم (۴) قابل تبدیل، تغییر پذیر
 ۲- ۱) اگرچه (۲) چون، از زمانی که (۳) قبل از این که (۴) در حالی که
 ۳- ۱) در (۲) در (۳) در هر، بر (۴) با
 ۴- بعد از spend پند قدم آن طرف تر فعل به صورت ing می‌آید. پس گزینه ۲ صحیح است.
 ۵- ۱) دانش (۲) تعریف (۳) اختراع (۴) ارتباط

Close 34

۲. به معنی از زمانی که / از وقتی
 که / از

در این حالت since در
 زمان های حال کامل یا حال
 کامل استمراری به کار می‌رود.

I have known him since I
 came to work here.

(حال کامل)
 از زمانی که برای کار به این‌جا
 آمدم، او را شناختم.

Since they left school,
 they have been playing
 tennis. (حال کامل استمراری)

از زمانی که آن‌ها مدرسه را ترک
 کردند، تنیس بازی می‌کردند.

اساس (ایجاد) اینترنت به دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برمی‌گردد، زمانی که پژوهشگران نظامی و علمی بر روی روش‌هایی کار می‌کردند تا بتوانند رایانه‌ها را به هم متصل کنند. اما تنها در سال ۱۹۸۳ بود که TCP/IP معرفی شدند، که (بر مبنای آن) پروتکل مشترکی برای شبکه‌کردن ایجاد شد که به سرعت پخش گردید - این چیزی بود که نویسندگان، آن را «اینترنت» نامیدند. در دهه بعد، ابزارهایی برای ایجاد شبکه جهانی وب توسعه یافت. ایده‌ای که قبل از این که فناوری به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد پذیرفته شده است. گزارش (مؤسسه) Citi عنوان می‌کند که ۷۵ سال طول کشید تا شمار کاربران تلفن به مرز ۵۰ میلیون نفر برسد، این رقم برای رادیو ۳۸ سال و تلویزیون ۱۳ سال به طول انجامید، در حالی که (بازی رایانه‌ای) Angry Birds فقط در ۳۵ روز به این هدف دست یافت. یکی از مقایسه‌های درخشان‌تری بین دو مورد که نویسندگان ذکر می‌کنند، و در مجله فوربز منتشر شد به این نکته اشاره دارد که اخیراً شمار کاربرانی که از نرم‌افزار WhatsApp در طی ۶ سال اول ایجاد آن، از آن استفاده می‌کنند بیش از تعداد نفراتی است که در طی ۱۹ قرن نخست به دین مسیحیت گرویده‌اند.

- ۱- introduce (معرفی کردن) یک فعل گذرا (مته‌ری) است، ولی بعد از آن مفعول نیامده است؛ بنابراین باید آن را به شکل مجهول بنویسیم. بنابراین گزینه ۳ صحیح است. گزینه ۲ به خاطر داشتن ضمیر موصولی نادرست است زیرا یک جمله موصولی قبل از آن آمده است.
 ۲- ۱) معمولاً (۲) عمدتاً (۳) به ندری (۴) به سرعت
 ۳- برای بیان هدف و منظور از to و شکل ساده فعل استفاده می‌کنیم. پس گزینه ۳ صحیح است.
 ۴- ۱) بخشیدن (۲) رسیدن به (۳) انکار کردن (۴) حمله کردن
 ۵- چون مقایسه بین دو چیز (two items) یعنی Whatsapp و مسیحیت است از more استفاده می‌کنیم. گول the را نفورید. صفت عالی برای مقایسه یک شخص یا چیز با گروه بیش از دو نفر یا چیز است. پس گزینه ۲ صحیح است.

